

فرضیه خطا و خطر ورأی هیئت عمومی دیوان کشور

مسئولیت مدنی یا کیفری با فرضیه خطا یا تقصیر و فرضیه خطر بستگی دارد و بسیاری از حقوقها این دو فرضیه را با هم پذیرفته اند و در موارد مختلف بکار برده اند. فرضیه تقصیر، هر کس را مسئول تدارک خطای خود می داند؛ ولی برای این خطا باید تقصیر ثابت شود و تقصیر را هم حقوق تعریف کرده است. فرضیه خطر ناظر به جامعه یا مؤسسه ای است که از این خطر فایده می برد. زندگی اجتماعی هیچ گاه خالی از خطر نیست و اگر قرار باشد ضرر ناشی از فعالیت اجتماعی فرد را خود او متحمل شود، جامعه از ترقی باز می ماند. تقصیر در پاره ای از حقوقها مفروض است؛ یعنی همینکه عملی به زیان کسی صورت گیرد، فرض حقوقی بر تقصیر کارفرمای عمل یا مباشر عمل است؛ ولی اغلب باید این تقصیر را متضرر از عمل ثابت کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی رو بهمرفته هر دو فرضیه را پذیرفته است. اصل ۱۷۱ قانون اساسی می گوید:

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم با

مورد خاصی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود؛ در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

این اصل از نظر حقوقی شامل فرضیه تقصیر و فرضیه خطر است. قاضی هنگامی خود باید خسارت ناشی از حکم خویش را تدارک کند که در تطبیق حکم قانون با مورد، تقصیر کرده باشد. تقصیر در اینجا به معنی عام کلمه نیست؛ بلکه معنی آن با توجه به قانون عادی که کیفر قاضی متخلف را معین می کند، عمد در زیان رساندن با حکم خود به یکی از اصحاب دعوی است و در غیر این صورت یعنی اگر در تقصیر، عمدی نباشد، دولت خسارت زیان دیده را تدارک می کند. تدارک خسارت در این مورد یا بر پایه اماره تقصیر مطلق است و یا بر پایه فرضیه خطر؛ چرا که قاضی با فکر و کوشش خود برای استقرار عدالت قضائی و استوار کردن نظام اجتماعی دولت می کوشد، و متقابلاً دولت هم باید خواه ناخواه در مقابل فایده ای که از این رهگذر می برد، خسارت ناشی از حکم قاضی را تحمل کند. در کتب فقهی فرضیه خطا و خطر را در مبحث تسبب و ضمان آورده اند. لوث در آنجا که مربوط به زحاف و نظایر آن است، از مواردی است که دولت یا بیت المال باید از عهده خسارت یا دیه برآید و مبنای آنهم حدیثی است منقول از رسول اکرم (ص) که: لا یطل دم امرء مسلم (خون مرد مسلمان هدر نمی شود)؛ ولی در تصادفات بی آنکه اشاره ای به اشتباه بشود، هر دو طرف متصادم یا متصادف را مسئول تأدیه دیه دانسته اند. بدیهی است اگر تصادف، عمدی باشد از مبحث جرائم با اعمال غیر عمدی خارج می شود. با آنکه قانون مدنی اصلاحی در ماده ۳۳۵ مقرر می دارد: «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود»، باز محاکم به استناد همان مباحث فقهی که از تقصیر سخن نگفته است، در تصادفات رانندگی تقصیر را با فرض حقوقی متوجه هر دو راننده

می دانستند. باید یادآور شد که از مباحث فقهی هم بر نمی آید که با وجود تقصیر (اشتباه یا مسامحه)، باز هم طرفی که مقصر نیست باید قسمتی از دیه یا خسارت را تحمل کند. چون دیوان کشور با احکام مغایر و اصراری محاکم رو برو شده بود که به تقصیر راننده توجهی نداشتند و دیه و خسارت را ناظر به طرفی هم می دانستند که تقصیری نداشت، هیئت عمومی صریحاً نظر داد که اگر راننده تقصیر نداشته باشد مسئول خسارت یا دیه نیست و این رأی این است:

وحدت رویه ردیف ۱۵/۶۲

رأی شماره ۱۳

رأی وحدت رویه هفت عمومی دیوان عالی کشور بسمه تعالی

چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچ گونه خلافی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد، راننده مسئول نبوده و بالنتیجه رأی شعبه ۲۱ دادگاه کیفری ۲ مشهد به اتفاق آراء تأیید می شود. این رأی برطبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای کلیه دادگاه های جزائی و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

بی مناسبت نیست که در این مورد حکمی از دیوان کشور مصر را نقل کنیم که در آن اولاً رابطه سببیت را در قتل، خطای معتبر دانسته و ضمناً مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری را از هم جدا کرده است و آنجا که رابطه سببیت کیفری وجود ندارد، متهم را از مسئولیت کیفری معاف شناخته ولی از نظر مسئولیت مدنی او را ملزم به تدارک خسارت مجنی علیه کرده است.

اینک اصل حکم و ترجمه آن:

انه لا یکفی للادانة فی جرمه القتل الخطاء ان یثبت وقوع القتل وحصول خطاء

من المحكوم عليه بل يجب ايضاً ان يكون الخطاء متصلاً بالقتل اتصال السبب بالمسبب بحيث لا يتصور وقوع القتل بغير وجود هذا الخطء وينبنى على ذلك انه اذا انعدمت رابطة السببيه وامكن تصور حدوث القتل ولولم يقع الخطاء انعدمت الجريمة معها لعدم توافر احد العناصر القانونية المكوّنة لها فاذا كان الحكم قد اعتبر الطاعن مسئولاً جنائياً عن جنحه القتل الخطاء لانه ترك سيارته في الطريق العام مع شخص آخر يعمل معه وان هذا الشخص الآخر دفع العربّة بقوه جسده الى الخلف بغير احتياط فقتل المجنى عليه فانه يكون قد اخطاء في ذلك لانعدام رابطة السببيه بين عمل المتهم وبين قتل المجنى عليه لان ترك المتهم سيارته في طريق العام يحرسها تابع له ليس له اية علاقه اوصله بالخطاء الذي تسبب عنه القتل الذي وقع من التابع وحده. على ان اخلاء المتهم (صاحب السياره) من المسئوليه الجنائيه لا تخليه من المسئوليه المدنيه بل ان مسئوليه مدنيه تتوافر جميع عناصرها القانونيه متى اثبت الحكم ان التابع كان يعمل عند الطاعن ولحسابه وقت ان تسبب بخطئه في قتل المجنى عليه.

وقوع قتل و وجود خطا براى محكوم كردن متهم به قتل خطي ء كافى نيست، بلكه گذشته از اين بايد پيوند خطا با قتل پيوند سبب و مسبب باشد؛ چنانكه وقوع قتل بدون وجود اين خطا قابل تصور نباشد. از اين رو هرگاه رابطه سببيت از ميان برخيزد و تصور وقوع قتل بدون اين خطا مقدور باشد، جرم هم با آن به علت فقدان اجتماع يكي از عناصر قانوني سازنده آن منتفى مى شود. حكم، فرجام خواه را از آن جهت از نظر كيفري مسئول قتل خطا شناخته است كه او خودروى خود را در راه عمومى با كارگرى كه با او بوده رها کرده و اين كارگر با نيروى بدنى خويش خودرو را بى احتياطانه به عقب رانده و موجب قتل خطي ء شده است. اين حكم به علت فقدان رابطه بين عمل متهم و قتل خطي ء معتبر نيست؛ زيرا رها كردن متهم خودروى خويش را در راه عمومى كه كارگر او آن را نگاهدارى كند هيچ پيوند و رابطه اى با خطائى ندارد كه قتل از آن ناشى شده و كارگر به تنهائى مسئول آن بوده است؛ ولى بايد گفت كه برى بودن متهم (صاحب خودرو) از مسئوليت كيفري، او را از مسئوليت مدنى برى نمى كند؛ زيرا همه عناصر قانوني اين مسئوليت فراهم است و حكم ثابت کرده كه كارگر براى فرجام خواه و به حساب او هنگامى كه قتل مجنى عليه از خطاي او ناشى شده كار مى کرده است.

رویه قضائی فرانسه از نظر قسمت مدنی و کیفری با این حکم
موافق است و رویه قضائی آلمان نیز با قسمت مدنی موافق است؛ ولی در
قسمت کیفری معتقد است که اگر صاحب ماشین احتمال می داده که
کارگر او ممکن است خود را از جای خود حرکت دهد، معاون قتل
خطیء بشمار می آید.